

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



تَخْرُجُ عُضْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا فِي مَرْزَعَةٍ كَبِيرَةٍ.

گنجشکی از لانه اش در یک مزرعه بزرگی بیرون می رود .

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

المُعْجَم

يَعْتَمِدُ : اعتمدَ مي کند

يَجْلِسُونَ، يَجْلِسُ، يَجْلِسَانِ :
مي نشینند

يَجْلِسُونَ، يَجْلِسُ، يَجْلِسَانِ :
مي آورند

يَحْضُونَ، يَحْضُدْنَ، يَحْضُدَانِ :
درو می کنند

يَذْهَبُونَ، يَذْهَبُ، يَذْهَبَانِ :
می روند

يَقْلِقُونَ، يَقْلِقُ، يَقْلِقَانِ :
انجام می دهند

رَأَيْتُمْ لِي سَاجِدِينَ: آنها را در

برایم سجده‌کنان دیدم

فَمَسَّ : خورشید

ضِيَاقَةٌ : مهمانی

عِرَّةٌ : ارجمندی

عُشٌّ : لانه

عِنْدَمَا : وقتی که

فَمَنْحٌ : گندم

كُوكِبٌ : ستاره

مَالِدَةٌ : سفره غذا

نَهَارٌ : روز (روز هنگام)

يَجْمَعُونَ : جمع می کند

أَفْرِيَاءٌ : خویشاوندان «مفرد»:

قَرِيبٌ

تَسَالٌ فِرَاطِهَا : از جوجه هایش

می پرسد

تَذْهَبَانِ : می روند ← دَعَبٌ

تَكْتِبَانِ : می نویسند ← كَتَبَ

خَدَّتْ | يَخْدُتُ : اتفاق افتاد |

اتفاق می افتد

حَاقِرٌ | يَحْقِرُ : حاضر شد | حاضر

می شود

خَوْفًا : ترس، ترسیدن

سَاجِدٌ : سجده کننده

الإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ

تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عُشِّهَا فِي مَرْزَعَةٍ كَبِيرَةٍ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِهَا:



گنجشکی از لانه اش در یک مزرعه بزرگی بیرون می رود و به جوجه هایش می گوید؛

۱- جوجه ی اوّل : صاحب مزرعه با همسایه اش به سوی دو درخت می روند و میانشان می نشینند .

۲- جوجه دوم : همسر صاحب مزرعه و همسایه اش پیش دو درخت می روند .

۳- جوجه سوم : همسایه ها سمت راست می نشینند .

۴- جوجه اوّل : همسایه ها (خانم ها) سمت چپ می نشینند .

۵- جوجه دومی : چه خبره ؟ چه می کنند ؟ آیا این یک مهمانی است ؟

۶- جوجه سومی : زنان غذا و نان می آورند و کنار سفره می نشینند .

۷- جوجه اوّلی : مردها هیزم جمع می کنند و آب می آورند وبعد از آن بازی می کنند.

۸- مادر برمی گردد و از جوجه هایش می پرسد : « چه شد » ؟

۹- جوجه دومی : صاحب مزرعه از همسایه هایش برای جمع کردن گندم کمک خواست . ما باید فرار کنیم .

۱۰- مادر جوجه ها : نه ؛ ما در لانه ی خودمان در امنیت و آسایشیم .

۱۱- در دومین روز : گنجشک از لانه خارج می شود و به جوجه هایش می گوید :

- ۱ «یا فِرَاحِي، عَلَيكُن بِمُرَاقَبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ. مَاذَا يَقُولُ وَ يَفْعَلُ؟»
- ۲ الْقَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ مَعَ جَارِهِ يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَ يَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا.
- ۳ الْقَرْخُ الثَّانِي: زَوْجَةُ صَاحِبِ الْمَرْزَعَةِ وَ جَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ.
- ۴ الْقَرْخُ الثَّلَاثُ: الْجِيرَانُ يَجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ.
- ۵ الْقَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ.
- ۶ الْقَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخَبْرُ؟ مَاذَا يَفْعَلُونَ؟ أَ هَذِهِ ضِيَافَةٌ؟
- ۷ الْقَرْخُ الثَّلَاثُ: النِّسَاءُ يَجْلِبْنَ الطَّعَامَ وَ الْخُبْزَ وَ يَجْلِسْنَ حَتَّى الْمَائِدَةِ.
- ۸ الْقَرْخُ الْأَوَّلُ: الرِّجَالُ يَجْمَعُونَ الْحَطَبَ وَ يَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَ يُعَدُّ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ.



- ۹ تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحِيهَا: «مَاذَا حَدَثَ»؟
- ۱۰ الْقَرْخُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَرْزَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ جِيرَانِهِ لِجَمْعِ الْقَمْحِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.
- ۱۱ أُمُّ الْفِرَاحِ: لَا تَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عَشْنَا.
- ۱۲ فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعُضُفُورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِيهَا:

۱۳- « باید مراقب باشید ؛ از دست دادن فرصت غصه است . »

۱۴- پس از برگشتن مادر جوجه سومی گفت :

۱۵- صاحب مزرعه از خویشانش برای جمع آوری محصول کمک خواست و باید فرار کنیم .

۱۶- مادر جوجه ها ؛ ما در امان هستیم .

۱۷- در روز سوم:

۱۸- جوجه ها ؛ شنیدیم که مزرعه دار می گوید فردا خودم جمع آوری گندم ها را آغاز خواهم کرد .

۱۹- مادر جوجه ها ترسید و گفت : « اکنون باید کوچ کنیم . »

۲۰- جوجه ها از مادرشان می پرسند : « چرا باید کوچ کنیم ؟ او تنهاو بدون دوست است . »

۲۱- مادر گفت : وقتی انسان به غیر خودش تکیه و اعتماد کند ؛ کار مهمی انجام نمی دهد ؛

۲۲- « اما زمانی که اعتماد به نفس پیدا می کند ؛ می تواند هر کاری انجام دهد. »

۳ «عَلَيْكُمْ بِالْمُرَاقَبَةِ: إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ.»

۴ «بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرُخُ الثَّالِثُ:

۵ «صَاحِبَ الْمَرْعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ لِجَمْعِ الْمَحْصُولِ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.»

۶ «أُمُّ الْفِرَاحِ: تَحَنُّنٌ فِي أَمَانٍ.

۷ «فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ:

۸ «الْفِرَاحُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَرْعَةِ يَقُولُ سَابِئًا بِجَمْعِ الْقَمْحِ بِنَفْسِي غَدًا.

۹ «خَافَتْ أُمُّ الْفِرَاحِ وَ قَالَتْ: «الآنَ عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ.»



۱۰ «الْفِرَاحُ يَسْأَلُنَ أُمَّهَنْ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَ بِلَا صَدِيقٍ.»

۱ «الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ؛ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مُهِمًّا؛

۲ «وَ عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ؛ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.»



★ ماذا يَرْفَعْنَ؟

هُنَّ يَرْفَعْنَ رَابِلًا مِي بَرْنَد.

چه چیزی رابالا می برند؟

آن ها جایزه هایشان رابالامی برند.



★ ماذا يَفْعَلُونَ؟

هُم يَحْصُدُونَ الْقَمْحَ.

چه کار می کنند؟



★ أَمْهُمَا تَكْتُبَانِ فِي الدَّفْتَرِ؟

لَا؛ هُمَا تَنْظُرَانِ إِلَى صَوْرَتَيْنِ.

آیا آنها در دفتر می نویسند؟

نه؛ آن ها به دو تصویر نگاه می کنند.



★ إِلَى أَيْنَ يَذْهَبَانِ؟

هُمَا يَذْهَبَانِ إِلَى بَيْتِهِمَا.

به کجا می روند؟

آن دو به خانه شان می روند.



به فعل‌های زیر توجه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
هُم فَعَلُوا	آنها انجام دادند.	هُم يَفْعَلُونَ	آنها انجام می‌دهند.
هُنَّ فَعَلْنَ		هُنَّ يَفْعَلْنَ	
هُمَا فَعَلَا		هُمَا يَفْعَلَانِ	
هُمَا فَعَلَتَا		هُمَا تَفْعَلَانِ	

چرا ترجمهٔ چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است؟

پهن در زبان فارسی مذکر و مؤنث برابرند علاوه بر اینکه مثنی و پود ندارد.



به دو جملهٔ زیر دقت کنید.

الف) أَنْتُمْ تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. شما به خوبی کار می‌کنید.

ب) هُمَا تَعْمَلَانِ جَيِّدًا. آنها به خوبی کار می‌کنند.

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلَانِ» چیست؟

با توجه به به ضمیر موجود در جمله

کتاب با توجه به قاعده‌ای که خواندید؛ این جمله‌ها را ترجمه کنید.

۱. هاتانِ الْبَيْتَانِ تَكْتُبَانِ واجِبَهُمَا؛ أأنْتُمَا تَكْتُبَانِ أيضاً؟
این دو دفتر تکلیفشان را می نویسند؛ آیا شما نیز می نویسید؟

۲. هُمَا جَارَتَانِ تَطِيفَتَانِ تَغْسِلَانِ سَاعَةَ الْبَيْتِ. أأنْتُمَا تَعْرِفَانِهِمَا؟

آن دو همسایه‌ی تمیز حیاط خانه را می شویند. آیا شما آتان را می شناسید؟

کتاب التمارین

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ

● با توجه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لماذا طلب صاحب المزرعة المساعدة؟ **چرا مزرعه دار کمک خواست؟**

لجمع محصول القمح للضيافة تحت الشجرة

۲. متى يثدّر الإنسان على كل شيء؟ **چه وقت انسان توانایی هر چیزی را دارد؟**

لما يعتمد على الآخرين. عندما يعتمد على نفسه.

۳. في أي يوم خافت أم الفراع من صاحب المزرعة؟ **مادر جوجه‌ها در کدام روز از مزرعه دار ترسید؟ هنگامی که**

بدأ يجمع المحصول بنفسه. طلب المساعدة من أقرانه.

۴. كم عدد الفراع؟ **جوجه‌ها چندتا بودند؟**

ثلاثة ستة

۵. هل كانت المزرعة صغيرة؟ **آیا مزرعه کوچک بود؟**

نعم؛ كانت صغيرة. لا؛ كانت كبيرة.

التَّمْرِينُ الثَّانِي

● جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ یونس ۵۵

هان، قطعاً وعده ی خدا حق است ولی بیشترشان نمی دانند.

۲. أَوْلَيْكَ الْجَارَاتُ يَزْجَعْنَ مِنَ الضِّيَاقَةِ. ★

آن همسایه ها از میهمانی برمی گردند.

۳. هَاتَانِ الطِّفْلَتَانِ تَلْعَبَانِ بَيْنَ الْأَشْجَارِ. ★

این دو کودک بین درختان بازی می کنند.

۴. هَذَا الْفَلَّاحَانِ يَزْرَعَانِ الرَّبْيعَ فِي الرَّبِيعِ. ★

این دو کشاورز در بهار برنج می کارند.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ

● جمله های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



★ أولئك المُجَاهِدُونَ يَكْتُبُونَ رَسَائِلَ. ★ هؤلاء المُجَاهِدَاتُ يَخْدِمْنَ لِنَصْرِ وَطَنِهِنَّ.

این رزمندگان، برای یاری

آن رزمندگان نامه هایی می نویسند.

میهنشان خدمت می کنند.



ماذا يَجْمَعَان؟ ★
يَجْمَعَانِ الْبُرْتَقَالَ.

چه چیزی جمع می کنند؟



ماذا يَزْرَعُونَ؟ ★
يَزْرَعُونَ الْقَمْحَ.

چه می کارند؟

★ التَّمْرَيْنِ الْغَرِيْبَيْنِ مِی کارند . پرتقال ها را جمع می کنند .

ترجمه کنید.

ما رَجَعُوا.	برنگشتند.	لا يَرْجِعُونَ.	بر نمی گردند
قَدَرَا.	توانستند.	يَقْدِرَانِ.	می توانند
يَصْدُقُونَ.	راست گفتند.	يَصْدُقُونَ.	راست می گویند
يَأْمُرُونَ.	دستور خواهند داد.	يَأْمُرُونَ.	دستور می دهند
ما نَظَرْنَا.	نگاه نکردید.	لا نَنْظُرُنَّ.	نگاه نمی کنید

★ التَّمْرَيْنِ الْخَامِسُ

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. هَاتَانِ الْبَيْتَانِ الْعَاقِلَتَانِ وَاجِبُهُمَا. تَكْتَبُونَ □ تَكْتَبَانِ □

۲. الطَّلَابُ سَ إِلَى الصُّفُوفِ غَدًا. يَرْجِعُونَ □ رَجَعْنَا □

۳. الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْفُنْدُقِ أَمْسٍ. تَذْهَبُونَ □ ذَهَبَا □

۴. الطَّالِبَاتُ حَوْلَ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ. يَسْأَلْنَ □ يَسْأَلَانِ □

(دانشجویان پیرامون علم شیمی می پرسند .)

این دو دفتر عاقلتکلیفهایشان را می نویسند .
دانشجویان فردا به کلاس ها برمی گردند
مسافران دیروز به مسافرخانه رفتند

(گفت و گو با زبان قرآن) در گروه‌های دو نفره مکالمه کنید.

چرا در مدرسه حاضر می‌شوی ؟
 کی به خانه بر می‌گردی ؟
 (کجا غذا می‌خوری ؟)
 (چند معلم پیش تو هست ؟)
 (آیا در مدرسه شما لانه ی گنجشک هست ؟)

لِلتَّحْصِيلِ .
 أَرْجِعُ عَصْرًا .
 فِي الْبَيْتِ
 أَحَدُ مُعَلِّمٍ
 لَا

۱. لِمَاذَا تَحَضَّرُ (تَحَضَّرِينَ) فِي الْمَدْرَسَةِ؟	★
۲. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى الْبَيْتِ؟	★
۳. أَيْنَ تَأْكُلُ (تَأْكُلِينَ) الطَّعَامَ؟	★
۴. كَمْ مُعَلِّمًا عِنْدَكَ؟ (كَمْ مُعَلِّمَةً عِنْدَكَ؟)	★
۵. هَلْ عَشُّ عَصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِكُمْ (مَدْرَسَتِكُنْ)؟	★

در خانه‌های جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

قَمَحُ / جَوَالَتُ / قَبْلَ سَنَةٍ / أَنْفُسُهُمْ / ضَجِكْتُ / يَحْرُسُونَ / خَوْفٌ / عِنْدَمَا / ضِيَاقَةٌ / فِرَاحِي /
 يَيْسُوا / لَا يَكْذِبُ / يَجْلِبُ / غَزْلَانُ / سَاجِدٌ / فِضَّةٌ / أَقْرِبَاءُ / مَحْزُونَةٌ / وَاسِعَةٌ / ابْنُ آدَمَ /
 جُنُودٌ / قَافِلَةٌ

۱. نگهبانی می‌دهند	۱۲. کاروان
۲. دروغ نمی‌گوید	۱۳. جوجه‌هایم
۳. ترسیدن، ترس	۱۴. گندم
۴. خندیدید	۱۵. نقره
۵. وقتی که	۱۶. سجده کننده
۶. می‌آورد	۱۷. آهوها
۷. تلفن‌های همراه	۱۸. آدمی‌زاد
۸. خودشان	۱۹. سربازان
۹. مهمانی	۲۰. پهناور
۱۰. سال گذشته	۲۱. خویشاوندان
۱۱. نا امید شدند	۲۲. غمگین

وَصَلَّى

١	ي	ح	ر	س	و	ن
٢	ل	ا	ي	كا	نفا	ب
		٣	خ	و	نفا	
٤	ض	ح	كا	ت	ن	
٥	ن	د	م	ا		
	٦	ي	ج	ل	ب	
٧	ج	و	ا	ل	ا	ت
٨	ا	ن	نفا	س	ه	م
٩		ض	ي	ا	نفا	ة
١٠	ب	ل	س	ن	ة	
	١١	ي	ئ	س	و	ا
١٢	ق	ا	فا	ل	ة	
	١٣	فا	ر	ا	خ	ي
	١٤		ق	م	ح	
١٥	فا	ض	ة			
	١٦	س	ا	ج	د	
	١٧	خ	ز	ل	ا	ن
١٨	ا	ب	ن	آ	د	م
	١٩		ج	ن	و	د
	٢٠	و	ا	س	ع	ة
٢١	أ	ق	ر	ب	ا	ة
٢٢	م	ح	ز	و	ن	ة



فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می شنویم.	نَحْنُ نَسْمَعُ.	من می شنوم.	أَنَا أَسْمَعُ.
شما می شنوید.	أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ. أَنْتُنَّ تَسْمَعْنَ. أَنْتُمْ تَسْمَعَانِ.	تو می شنوی.	أَنْتَ تَسْمَعُ. أَنْتِ تَسْمَعِينَ.
آنها می شنوند.	هُمْ يَسْمَعُونَ. هُنَّ يَسْمَعْنَ. هُمَا يَسْمَعَانِ. هُمَا تَسْمَعَانِ.	او می شنود.	هُوَ يَسْمَعُ. هِيَ تَسْمَعُ.



انید و ترجمه کنید.

﴿ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ﴾ يوسف ٤

همانا من یازده ستاره و خورشید و ماه دیدم آنها را در برابر من سجده کنان دیدم

﴿ لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾ المنافقون ٨

عزت و بزرگی برای خدا و رسولش است اما منافقها نمی دانند.

﴿ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ ﴾ المؤمن ٦٥

نمی داند کسی در آسمانها و زمین غیب را جز خداوند.

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾ الحُجرات ١٠

فقط می مانند با هم برادرند.

قرائت درس